



جایگاه منطقه فراملی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران*



حسین رضایی خردمردی** - دکتر حمید احمدی***

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

در دوران معاصر منطقه‌گرایی به عنوان همسو یا بدیل جهانی شدن، یکی از رویکردهای انتخابی دولت‌هاست. ایران که بنا بر اقتضائات جغرافیایی و تاریخی، یک کشور بین‌المللی و قدرتی منطقه‌ای است، از آغازین سال دهه پایانی قرن بیستم، با پایان اشغال افغانستان از سوی شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی می‌توانست جایگاه منطقه‌ای خود را ارتقا دهد؛ اما به رغم موقعیت ممتاز جغرافیایی، قرابت‌های فرهنگی و تمدنی ایران با این کشورها و تدوین شش برنامه پنج‌ساله توسعه، جمهوری اسلامی ایران در طی سه دهه گذشته نتوانست به عنوان کشور قطب منطقه‌ای عمل کند و از ظرفیت‌های منطقه‌ای خود در ارتباط با آن کشورها بهره‌مند شود. در تحقیق حاضر پرسش اصلی این است که «جایگاه منطقه فراملی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران چیست؟» و با استفاده از دو روش تجزیه و تحلیل تکرر و تحلیل محتوا، مواد و بندهای برنامه‌های شش‌گانه توسعه بررسی شد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که در برنامه‌های توسعه منظور از منطقه مشخص نیست؛ میزان توجه به منطقه در برنامه‌ها به صورت پرنوسانی متغیر است؛ و مؤلفه اصلی منطقه، قلمرو شمول و کشورهای تشکیل‌دهنده آن، از یک برنامه به برنامه دیگر تفاوت دارد. به عنوان نتیجه کاربردی، پیشنهاد شده است که «حوزه تمدن ایرانی» به عنوان منطقه جغرافیایی - فرهنگی محاط ایران، منطقه هدف ایران و مصداق معین منطقه فراملی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشور تعریف شود.

کلیدواژه‌گان: منطقه، منطقه فراملی، منطقه‌گرایی، همگرایی منطقه‌ای و برنامه پنج‌ساله توسعه.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری علوم سیاسی حسین رضایی خردمردی با راهنمایی دکتر حمید احمدی است.

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول. ایمیل:

مقدمه

در آخرین دهه قرن بیستم، افغانستان از اشغال نظامی اتحاد جماهیر شوروی رهایی یافت و سپس با فروپاشی شوروی، جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان کشورهای مستقل در شمال شرق و شمال غرب ایران ظاهر شدند. این تحولات، منطقه کلان یا فراملی جدیدی را در ورای مرزهای ایران شکل داد و جایگاه منطقه‌ای ایران را متحول کرد. موقعیت ممتاز جغرافیایی ایران و نیاز کشورهای یادشده به راه ارتباطی به جهان، منابع غنی زیرزمینی و قدرت اقتصادی و صنایع پیشرفته‌تر ایران نسبت به آن کشورها و همچنین قربت‌های فرهنگی و تمدنی، زمینه‌های مساعدی برای توجه ایران به این منطقه و ایفای نقش به عنوان کشور قطب منطقه‌ای فراهم ساخت؛ اما به‌رغم این زمینه‌ها و ظرفیت‌ها و تدوین شش برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران در طی سه دهه گذشته در استفاده از این جایگاه موفق عمل نکرد که ظهور طالبان در افغانستان و نفوذ رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان و پیشی گرفتن ترکیه از ایران در برقراری روابط گسترده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با این کشورها تأییدی بر این ادعاست. این وضعیت این پرسش را به عنوان سؤال اصلی پژوهش به ذهن متبادر می‌سازد که «جایگاه منطقه فراملی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه جمهوری اسلامی ایران چیست؟». بررسی مقدماتی موضوع همچنین این دو پرسش فرعی را نیز مطرح می‌کند که «آیا در شش برنامه پنج‌ساله توسعه، منطقه، کشورها و حوزه مشخصی دارد؟»؛ و دوم این که «آیا در برنامه‌های توسعه مصداق و عنوان منطقه ذکر شده، ثابت بوده است؟»

پرسش‌های بالا این فرضیه اصلی که «منطقه در برنامه‌های توسعه ایران یک مفهوم متغیر و بدون تعریف و حد و مرز مشخص است» و دو فرضیه فرعی که «در برنامه‌های توسعه، منطقه از نظر تعداد کشورها و حوزه تشکیل دهنده، مشخص نیست»؛ و «در شش برنامه توسعه کشور، منطقه مصداق و عنوان ثابتی نداشته و از منطقه با عناوین مختلف یاد شده است» را شکل می‌دهد.

از آنجا که برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بر اساس سیاست‌های کلی نظام - که از سوی رهبری نظام به رئیس‌جمهور ابلاغ می‌شود - و در قالب لایحه در نهاد ریاست جمهوری تدوین می‌گردد و پس از طی فرایند تصویب در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، به عنوان قانون، اجرایی می‌گردد، گزینه مناسبی برای یافتن پاسخ سؤالات فوق و بررسی فرضیه‌های پژوهش است. لذا در واکاوی موضوع، فرضیه‌های ذکر شده را با استفاده از دو روش تجزیه و تحلیل تکرر و تحلیل محتوا^۱ به محک آزمون می‌گذاریم. روش تجزیه و تحلیل تکرر یک روش توصیف کمی است که بر احصای تعداد دفعاتی که یک رویداد رخ می‌دهد، استوار است و تحلیل محتوا روشی کمی است که از

^۱. Frequency Analysis

^۲. Content Analysis

طریق آن محتوای کیفی منابع مورد بررسی با تکیه بر آمار به داده‌های کمی تبدیل می‌شود و امکان مقایسه تطبیقی بین مفاهیم موجود در یک سند با اسناد دیگر در مقاطع گوناگون را فراهم می‌آورد. این دو روش ما را قادر می‌سازد تا با بررسی محتوای شش برنامه پنج‌ساله توسعه و احصای «واژه منطقه» به معنای فراملی یا «مفاهیم مشابه» و مقایسه میزان کاربرد آنها در هر برنامه، به هدف مقاله که تبیین جایگاه منطقه و منطقه‌گرایی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه است، دست یابیم.

۱- پیشینه پژوهش

بررسی یک موضوع خاص در برنامه‌های توسعه در حوزه‌های مختلف علمی مسبق به سابقه است که از جمله می‌توان به «بررسی جایگاه فناوری در برنامه‌های توسعه‌ای کشور» (اریاب شیرانی و خاکباز، ۱۳۸۹)؛ (ArbabShirani and Khakbaz, 2010)، «جهانی شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران» (میسایی، ۱۳۹۴)؛ (Misai, 2015)، «اصل تعامل سازنده در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران» (سیاپوشی، ۱۳۹۴)؛ (Siapushi, 2015) و «بررسی سیاست‌های برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در زمینه جنگل و مرتع» (بیرانوند و دیگران، ۱۳۹۹)؛ (Biranvand et al. 2020) اشاره کرد.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، منطقه و جایگاه منطقه به مفهوم کلان و فراملی در برنامه‌های توسعه ایران موضوع بررسی هیچ یک از پژوهش‌های انجام شده تاکنون نبوده است؛ در حالی که درنگی بر اهمیت منطقه‌گرایی در این دوران و توجه به این که ایران بنا بر اقتضانات جغرافیایی و تاریخی، یک کشور بین‌المللی و قدرتی منطقه‌ای است، ضرورت انجام یک پژوهش مستقل در این باره را نشان می‌دهد.

۲- چارچوب نظری

مفهوم منطقه در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، در دو سطح خرد و کلان به کار می‌رود. «مناطق خرد» زیربخش کشور است که بر مبنای توزیع جمعیت، وضعیت آب و هوایی، پوشش گیاهی و ... از دیگر مناطق متمایز می‌شود و عمدتاً در برنامه‌ریزی و مطالعه سیاست‌های داخلی و اقتصادی «بخشی از یک کشور» و «به‌طور سنتی توسط جغرافی‌دانان، برنامه‌ریزان، جامعه‌شناسان، دانشمندان علوم سیاسی و مورخان استفاده می‌شود» (Keating, 2011: 1). «مناطق کلان»، چند دولت یا کشور واقع در یک حوزه جغرافیایی را دربرمی‌گیرد. «مناطق کلان معمولاً توسط محققانی با پیشینه اقتصاد (بین‌المللی) یا علوم سیاسی، با تمرکز بر فرآیندهای همکاری و ادغام منطقه‌ای، با ویژگی‌های بین‌دولتی و فراملی مورد مطالعه قرار می‌گیرد» (De Lombaerde, 2016: 32). این مفهوم از منطقه هر چند از گذشته، در سیاست و روابط بین کشورها اهمیت داشت، از پایان جنگ جهانی دوم، از لحاظ ظرفیت‌های همکاری بین دولت‌ها، ابتدا در اروپای غربی و سپس در دیگر مناطق

جهان مورد توجه ویژه سیاست‌مداران و سیاست‌گذاران قرار گرفت و دو موج منطقه‌گرایی قدیم^۱ و منطقه‌گرایی نوین^۲ را رقم زد.

در نظریه‌های منطقه‌گرایی قدیم، «منطقه بیشتر یک مفهوم جغرافیایی است و حسب عامل جغرافیای سرزمینی و طبیعی تعریف می‌شود؛ به طوری که جغرافیا یا زیست‌بوم، تنها مخرج مشترکی است که کشورها یا مناطق فرعی را به هم پیوند می‌زند» (palmer, 1991: 6)؛ اما درباره جایگاه «جغرافیا» در شکل‌گیری نظام منطقه‌ای، اگرچه بعضی از نظریه‌های جدید منطقه‌گرایی نوین «همچنان درجه‌ای از قرابت جغرافیایی را در تعریف منطقه لازم می‌دانند»، در برخی دیگر از این دسته نظریه‌ها «عنصر جغرافیا نقش اصلی و تعیین‌کننده ایفا نمی‌کند» و «سرزمین، اهمیت و نقش بسیار کمتری در مفهوم منطقه‌گرایی دارد». از جمله نظریه‌های سازه‌انگاری و پست‌مدرنیسم همگرایی منطقه‌ای است که استدلال می‌کنند «مناطق، طبیعی، از پیش داده شده یا ذاتی و جوهری نیستند؛ بلکه «تراکم، شدت، کیفیت تعاملات و میزان انسجام و همبستگی درون منطقه‌ای مهم است» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷۴-۷۳)؛ (Dehghani Firouzabadi, 2014: 73-74).

بوزان^۳ و ویور^۴ معتقدند که پس از فروپاشی شوروی، «دولت‌ها اساساً بر اساس سه گرایش نظری عمومی عمل می‌کنند: نوواقع‌گرایی، جهانی شدن و منطقه‌گرایی» و «عرض و پیچیدگی مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای گسترش یافته است» (صفری و دیگران، ۱۴۰۰: ۸۶)؛ (Safari et al, 2021: 86). بژورن هتن، نظریه‌پرداز سوئدی، در تلاش برای ارائه رویکردی جامع، منطقه‌گرایی نوین را «فرآیندی چندبُعدی از همگرایی منطقه‌ای در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی» معرفی می‌کند (Hettne, 1994: 2-3). وی و همکارانش در کتاب جهانی شدن و منطقه‌گرایی نوین، منطقه‌گرایی را «ایدئولوژی و برنامه‌ای که توسط دولت‌ها برای رسیدن به نظم منطقه‌ای» و «سیاست و پروژه‌ای که در پی آن دولت‌ها و بازیگران غیردولتی با هم همکاری می‌کنند و در داخل یک منطقه خاص به هماهنگی استراتژی‌های خود می‌پردازند و اغلب به نهادسازی منجر می‌شود» (Hettne, et al: 2016)، تعریف کردند. از آنجا که منطقه‌گرایی معاصر ماهیتی چندبُعدی دارد، هتن و همکارانش آن را مبتنی بر سازه‌انگاری اجتماعی یا بلوک‌سازی تئوریک دانسته و بر اساس این رویکرد آن را تبیین می‌کنند و ابعاد غیر اقتصادی، سیاسی و امنیتی را در کنار ابعاد اقتصادی، وجه تمایز منطقه‌گرایی نوین از قدیم می‌دانند. در واقع، به نظر وی منطقه‌گرایی صرفاً اقتصادی یا سیاسی

¹. Old Regionalism

². New Regionalism

³. Barry Buzan

⁴. Oli Waever

نیست؛ بلکه ابزاری سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی است. در فرایند همگرایی منطقه‌ای، نظریه سازه‌انگاری اجتماعی هم بر انسان اجتماعی و منطبق تناسب تأکید دارد و هم به نقش کنشگران غیردولتی فراملی و فروملی در کنار بازیگران دولتی توجه می‌کند. همچنین این نظریه در تحلیل و تبیین همگرایی منطقه‌ای، به سازوکارها و شرایطی که هویت‌ها و منافع این بازیگران در آن دگرگون می‌شود، اهمیت می‌دهد و مفاهیم مناسبی چون کارگزار، نهاد و ساختار، هویت، تغییر و تحول، هنجار، یادگیری اجتماعی، جامعه‌پذیری و اقتناع را ارائه می‌دهد و به کار می‌گیرد؛ بنابراین، از آنجا که برنامه‌های پنج‌ساله توسعه برنامه‌هایی جامع است و ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن کنشگران مختلف دولتی و غیردولتی را دربرمی‌گیرد و در شکل‌گیری مفهوم ذهنی آنان از منطقه اثرگذار است، در این تحقیق، نظریه سازه‌انگاری اجتماعی و منطقه‌گرایی نوین مبتنی بر این نظریه، چارچوب مفهومی و نظری تحقیق را تشکیل می‌دهد.

۳- تاربخچه

تا قبل از انقلاب اسلامی، به دلیل جنگ سرد و رقابت‌های گسترده شرق و غرب و همچنین عدم استقلال بسیاری از کشورهای همسایه کنونی، فعالیت‌های ایران در منطقه بیشتر در قالب همسویی با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا انجام می‌شد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به عضویت در «سازمان پیمان مرکزی» (ستو)^۱ و «سازمان همکاری عمران منطقه‌ای» (سی آر دی)^۲ و ایفای نقش در سیاست دو ستون یا دوقلوی ریچارد نیکسون، سی‌وهفتمین رئیس‌جمهور آمریکا، اشاره کرد. در مقابل، اندک تلاش‌های مستقل درون منطقه‌ای صورت گرفته (نظیر درخواست افغانستان و پاکستان برای تشکیل کنفدراسیون با ایران که می‌توانست به تشکیل یک اتحادیه منطقه‌ای بینجامد) پاسخ منفی شاه ایران را به همراه داشت و در نهایت، سلسله پهلوی علاوه بر مسائل داخلی، به دلیل برخی سیاست‌های خارجی، از جمله وابستگی بیش از حد به آمریکا و روابط مغایر با خواست جامعه دینی با رژیم اسرائیل، ساقط شد.

پس از پیروزی انقلاب، نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی که «نمونه‌ای کم‌نظیر از تغییر بنیادین در گفتمان حاکم بر ایران محسوب می‌شود» (مسعود و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۸)؛ (Masoud, 2020: 98)، سیاست خارجی آرمان‌گرایانه را در پیش گرفت و به نزدیکی به کشورهای جهان اسلام و جنبش عدم‌تعهد روی آورد. لذا، در قانون اساسی ۱۳۵۸، «امت‌محوری» آرمان سیاست خارجی نظام شد و تبعاً منطقه به مفهوم کلان و شامل کشورهای واقع در یک وسعت جغرافیایی فراملی کوچک‌تر از

^۱. Central Treaty Organization (CENTO).

^۲. Regional Cooperation for Development (RCD).

جهان اسلام، مورد توجه ویژه و خاص نبود. از سوی دیگر، با اشغال افغانستان توسط شوروی، وابستگی پاکستان به غرب و حمله عراق به ایران، کشورهای همسو و مستقلی در منطقه برای همگرایی منطقه‌ای با ایران وجود نداشت. از این رو، در قانون اساسی جدید (اصلاحی ۱۳۶۸) نیز، همانند قانون اساسی ۱۳۵۸، واژه منطقه جمعاً دو بار به کار رفت (اصول دوازدهم و چهل‌وهشتم) که در هر دو، منظور «منطقه خُرد» و بخشی از جغرافیای داخل ایران است (ر. ک: فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷: ۱۷ و ۲۴)؛ (Fathi and Koochi Esfahani, 2016: 17 & 24).

پس از پایان جنگ تحمیلی، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ که سند بالادستی برنامه‌های چهارم تا ششم توسعه محسوب می‌شود، تدوین و اجرا شد که در آنها واژه منطقه به کرات به کار برده شد. در ادامه به بررسی جایگاه منطقه در این برنامه‌ها می‌پردازیم.

۴- منطقه فراملی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

برنامه‌ریزی میان‌مدت اقتصادی در تاریخ معاصر ایران مسبوق به سابقه است. «قبل از انقلاب، حکومت چندین برنامه اقتصادی پنج‌ساله و هفت‌ساله را ... برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار طراحی و اجرا کرد». از آنجا که «دیپلماسی مدرن به نظر اغلب صاحب‌نظران یک چشم‌انداز سیاسی و یک چشم‌انداز اقتصادی دارد» (۱: ۲۰۱۱، Trunkos)، ایران نیز با پایان جنگ با عراق، در راستای تقویت دیپلماسی خود مجدداً «بر تدوین و اجرای برنامه‌های اقتصادی میان‌مدت متمرکز شد» (Amiri, 2016: 174). در ادامه برنامه‌های اول تا ششم توسعه را با محوریت موضوع منطقه به مفهوم کلان فراملی، مرور می‌کنیم.

۴-۱- منطقه در برنامه اول

قانون برنامه اول توسعه پس از پایان جنگ هشت‌ساله در دوران ریاست جمهوری علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی و در فضای فکری نظریه‌نویس‌نویس روابط بین‌الملل که «یکی از بسترهای اصلی گفتمان جهانی شدن اقتصاد و توسعه اقتصادی به حساب می‌آید» (Jackson and Sorensen, 2016: 139-140)، با انتخاب راهبرد «آزادسازی اقتصادی» نوشته شد. این برنامه (موسوم به «برنامه سازندگی») با دوره زمانی سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، در شرایطی که نظام بین‌الملل همچنان دوقطبی و افغانستان درگیر جنگ‌های داخلی نیروهای جهادی (پس از خروج نظامیان شوروی) بود، پاکستان تازه از حکومت کودتایی ضیاء‌الحق طرفدار آمریکا خلاصی یافت و جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز نیز کشور مستقل محسوب نمی‌شدند، تدوین و به اجرا گذاشته شد.

در بند ۱۵-۳ این برنامه «تقویت و توسعه ایرانگردی و جهانگردی در جهت تبادل تجربه و دانش و شناساندن میراث تمدن و فرهنگ اسلامی و ایران و کمک به ارتقای سطح تفاهم و وحدت ملی

و اسلامی...» به عنوان یکی از طرق اجرای خط‌مشی‌های تحقق‌سومین هدف کلی این برنامه (بند ۳)، یعنی «گسترش کمی و ارتقای کیفی فرهنگ عمومی، تعلیم و تربیت و علوم و فنون در جامعه» (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۶۸)؛ (IPRC, 1990) در نظر گرفته شده است. از این رو، می‌توان گفت با این که ۳ ماده از مواد برنامه اول تا حدودی مرتبط با منطقه بوده است، اما واژه منطقه فراملی یا حتی واژه‌های نزدیک به آن در این برنامه به کار نرفته و برنامه اول توجهی به منطقه و کشورهای منطقه نداشت.

۴-۲- منطقه در برنامه دوم

قانون برنامه دوم آذر ۱۳۷۳ به تصویب مجلس رسید و دوره زمانی آن سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸ بود. در زمان تدوین این برنامه، کشورهای وارث تمدن ایرانی در شمال ایران از شوروی سابق استقلال یافته بودند و چنگیز پهلوان در مقاله «در جستجوی ساختارهای نوین منطقه‌ای»، نظریه «حوزه تمدن ایرانی» را مطرح کرده (پهلوان، ۱۳۷۲: ۴۴-۲۷)؛ (Pahlawan, 1993: 27-44) و تبیین شده بود که با توجه به «اشتراکات فرهنگی، تاریخی و تمدنی در میان کشورهای حوزه تمدنی ایران، رویکرد فرهنگی یا تمدنی به سیاست خارجی در تقابل با رویکرد ایدئولوژیک اسلامی مبتنی بر صدور انقلاب، بهتر در خدمت یکپارچگی و در نتیجه امنیت ملی و شکوفایی کشورهای عضو خواهد بود» (Ahmadi, 2019: 106)؛ از این رو، حوزه تمدن ایرانی به عنوان یک منطقه می‌توانست در تدوین این برنامه و برنامه‌های بعد از آن، مورد توجه ویژه قرار گیرد.

در چنین شرایطی، برنامه دوم بر همکاری‌های اقتصادی در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی (اكو) و در کنار آن همکاری‌های فرهنگی بین این کشورها در قالب مؤسسه فرهنگی اكو، تمرکز کرد. در بندهای اول و دوم هدف کلی دوازدهم قانون برنامه دوم، «رعایت اصول عزت و حکمت و مصلحت کشور در سیاست خارجی» از طرق دوازده‌گانه‌ای پیش‌بینی شده بود که در حوزه منطقه‌ای می‌توان به «تقویت روابط حسنه با همسایگان، دور نمودن تشنج از مرزها، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و قاره‌ای» و «توسعه و تقویت روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و تجاری با کشورهای اسلامی، دوست و اكو» (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۷۳)؛ (IPRC, 1994) اشاره کرد. در این برنامه در ۲ ماده مستقیم و غیرمستقیم به منطقه اشاره شده که یک بار از واژه منطقه (به مفهوم فراملی) و یک بار نیز از واژه اكو استفاده شده است. بنابراین، توجه به منطقه در برنامه دوم، در قیاس با برنامه اول، متمایز از سیاست خارجی آرمانی «وحدت جهان اسلام» بود؛ اما این برنامه نیز فاقد تعریف

۱. سازمان همکاری اقتصادی اكو (Economic Cooperation Organization = ECO) که در سال ۱۳۶۳ (۱۹۸۵ میلادی) تأسیس شد.

۲. مؤسسه فرهنگی اكو (ECO Cultural Institute)، نهاد فرهنگی سازمان اكو که در بیستم خرداد سال ۱۳۷۴ برابر با دهم ژوئن سال ۱۹۹۵ میلادی تأسیس شد.

ثابتی از منطقه بود و رویکرد غیراعلامی توجه به حوزه فرهنگی ایران تاریخی (مؤسسه فرهنگی اکو) به دلیل حضور ترکیه به عنوان یک رقیب مخرب برای حوزه تمدن ایرانی - که در مقاله چنگیر پهلوان صراحتاً به آن اشاره شده بود - (ر.ک: پهلوان، ۱۳۷۲: ۳۴ و ۳۶)؛ (Pahlawan, 1993: 34 & 36) ناکام ماند و به رونق همکاری‌های منطقه‌ای کشورهای عضو نینجامید.

۴-۳- منطقه در برنامه سوم

قانون برنامه سوم توسعه که فروردین ۱۳۷۹ تصویب شد و بازه زمانی اجرای آن سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳ است، سعی در فراهم ساختن الزام‌های تحقق توسعه پایدار داشت و از برنامه‌های موفق در رسیدن به بسیاری از اهداف پیش‌بینی شده در آن بود. در فصل ۱۷ این برنامه، ذیل ماده ۱۲۶، به شرکت سهامی راه‌آهن اجازه داده شد برای ارائه خدمات حمل‌ونقل منطقه‌ای، ترانزیتی و چندوجهی با مشارکت کشورهای اکو نسبت به ایجاد شرکت‌های حمل‌ونقل بین‌المللی اقدام کند. همچنین در فصل بیست و سوم تنها در بند ۱ ماده ۱۸۶ به همکاری‌های منطقه‌ای در قالب سیاست‌های کلی و مشترک در روابط خارجی اشاره شد که بر «گسترش همکاری‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی» به عنوان یکی از سیاست‌های کلی قوه مجریه تأکید می‌کند (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۷۹)؛ (IPRC, 2000).

به لحاظ آماری، در برنامه سوم در ۲ ماده، جمعاً سه بار به منطقه به مفهوم فراملی اشاره شده که دو بار واژه منطقه و یک بار واژه نزدیک به آن (اکو) به کار رفته است. بنابراین منطقه در برنامه سوم نیز همچنان جایگاهی مناسب موقعیت منطقه‌ای ایران نداشت. ضمن این که در همین دوره بود که درخواست عضویت ناظر ایران در اتحادیه عرب ارائه شد که مورد مخالفت اعضای آن اتحادیه قرار گرفت.

۴-۴- منطقه در برنامه چهارم

قانون برنامه پنج‌ساله چهارم، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس مربوط به بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ است و اولین برنامه‌ای است که تدوین، تصویب و ابلاغ آن بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله و پس از ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه چهارم صورت گرفت؛ چرا که پیشتر، با آغاز اولین دوره پنج‌ساله (۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹) دوره بیست‌ساله چشم‌انداز، سیاست‌های کلی برنامه چهارم، از سوی مقام رهبری، خطاب به رئیس‌جمهور (برای به کارگیری در تدوین برنامه پنج‌ساله چهارم) ابلاغ شده بود. در این برنامه نیز منظور از «منطقه» و تعریف آن روشن نیست و صرفاً اشاره‌هایی کلی به منطقه و ظرفیت‌های آن شده که از جمله می‌توان به «تبدیل ایران به مرکز رفع نیازهای سلامت و پزشکی منطقه» (ماده ۸۷)؛ «برنامه‌ریزی در زمینه مشارکت و حضور فعال در فرآیندها، نهادها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی در باب گفت‌گویی تمدن‌ها» (ماده ۱۱۰، بند الف)، «عقد موافقت‌نامه فرهنگی منطقه‌ای ... و فراهم آوردن شرایط اجرای این موافقت‌نامه‌ها» (ماده ۱۱۰، بند د)، «شناسایی

و حمایت از آثار فرهنگی تاریخی حوزه فرهنگی ایران، موجود در کشورهای همسایه و منطقه»، «استفاده از ظرفیت‌ها و مزیت‌های فرهنگی، در تسهیل و بهبود روابط و مناسبات بین‌المللی به منظور تجلی و توسعه مفاهیم و نمادهای هویت اسلامی و ایرانی، در ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی و نیز تعامل اثربخش میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی با رویکرد توسعه پایدار» (ماده ۱۱۳) و «توسعه خطوط مواصلاتی، راه‌های مرزی و ارتقای مراودات و تبادل اطلاعات با کشورهای منطقه و همسایگان به منظور مهار جرائم، قاچاق کالا و مواد مخدر» (ماده ۱۱۹، بند ب) اشاره کرد (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۳)؛ (IPRC, 2004).

تأمل در اشاره به «سایر مناطق جهانی» در بند ج ماده ۱۱۰ و همچنین «تعامل اثربخش میان ایران فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و زبانی» در ماده ۱۱۳، نشان می‌دهد که در این برنامه حوزه فرهنگی و تمدنی ایران به عنوان یک حوزه جغرافیایی با ویژگی‌های فرهنگی - تمدنی پذیرفته شده است، اما به آن به صراحت به عنوان منطقه اشاره نشد. در نهایت، از ۱۶۱ ماده این برنامه، در ۶ ماده و ۴ بند، ۸ بار به نوعی به منطقه فراملی اشاره شده که ۶ بار واژه منطقه و ۲ بار واژه‌های نزدیک به آن (حوزه فرهنگی ایران و ایران فرهنگی) مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۵- منطقه در برنامه پنجم

قانون برنامه پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۴) که بر اساس سیاست‌های کلی برنامه (ابلاغی ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ مقام رهبری) تدوین شد، در دی‌ماه ۱۳۸۹ به تصویب مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و با ابلاغ در سال ۱۳۹۰، اجرای آن رسماً آغاز شد. مواردی که در این برنامه در ارتباط با منطقه آمده، به شرح زیر است:

ماده ۵: «به منظور ... شناساندن و معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی و گسترش خط و زبان و ادبیات فارسی، ... سند ملی توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌الملل ... تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد»؛ ماده ۱۱، بند هـ «سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مجاز است آثار فرهنگی تاریخی و میراث معنوی حوزه فرهنگی ایران، موجود در کشورهای همسایه و منطقه و سایر کشورها به عنوان میراث فرهنگی را شناسایی و از آنها حمایت نماید»؛ ماده ۱۶- بند ۳و: «گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزشی و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی ...، با تأکید بر کشورهای منطقه و جهان اسلام ...»؛ ماده ۱۴۰، بند ج: «واردات و صادرات آب به کشورهای منطقه و اجرای طرح‌های مشترک آبی با کشورهای همجوار ...»؛ ماده ۱۶۶: «... تبدیل شدن فرودگاه بین‌المللی امام خمینی^(ه) به قطب اول حمل‌ونقل بار منطقه و قطب دوم حمل‌ونقل مسافری منطقه»؛ ماده ۲۱۰، بند ب: «تلاش برای حضور فعال، مؤثر و الهام‌بخش در مناسبات دوجانبه و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، از طریق نظام جامع تقویت حضور ایران در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، ...»؛ ماده ۲۱۰، بند ج: «همکاری با کشورهای منطقه و اسلامی ... برای کاهش حضور نظامی بیگانگان در منطقه»؛ ماده ۲۱۰، بند د: «تقویت روابط حسنه با همسایگان،

اعتمادسازی، تنش‌زدایی و همگرایی با کشورهای منطقه و اسلامی، به‌ویژه حوزه تمدن ایران اسلامی؛ ماده ۲۱۰، بند هـ «تقویت دیپلماسی اقتصادی از طریق حمایت جدی از فعالیت‌های اقتصادی، به‌ویژه بخش غیردولتی و ایجاد زمینه‌های لازم برای رابطه و حضور بخش مذکور در دیگر کشورها و منطقه جنوب غربی آسیا، به‌ویژه کشورهای همسایه و اسلامی» و ماده ۲۱۰، بند ز: «ارتقای مدیریت ایران در حوزه اقتصادی در منطقه ... و تلاش برای قرار گرفتن در مسیرهای انتقال انرژی در منطقه» (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۸۹)؛ (IPRC, 2011).

ملاحظه می‌شود که از مواد ۲۳۵ گانه این برنامه در ۶ ماده و ۴ بند، جمعاً ۱۵ بار به نوعی به منطقه به مفهوم فراملی اشاره شده که فراوانی کاربرد واژه منطقه ۱۳ بار و کاربرد مفاهیم نزدیک به آن (حوزه فرهنگی ایران و حوزه تمدن ایران)، ۲ بار بوده است.

گفتنی است منظور از منطقه در این برنامه «منطقه آسیای جنوب غربی» است و حوزه تمدن ایران اسلامی به عنوان یک زیرسیستم منطقه‌ای (با همپوشانی با مناطق آسیای مرکزی و قفقاز و کشورهای افغانستان، پاکستان و عراق) در نظر گرفته شده که برگرفته از سند چشم‌انداز است؛ سندی که ایران در سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴، «اهداف خود در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فناوری برای بیست سال آینده را در آن ترسیم کرد» (Madarshahi, 2012: 619). در این سند و برنامه‌های توسعه بعد از آن، منظور از منطقه، اغلب «آسیای جنوب غربی» است که «به بخشی از کشورهای آسیایی و واحدهای سیاسی جنوب غربی این قاره اطلاق می‌شود» (Roumina, 2015: 55). آسیای جنوب غربی «اصطلاحی جغرافیایی» و «زیرمنطقه‌ای از آسیا» است که «از غرب به دریای مدیترانه، شبه‌جزیره سینا و دریای سرخ و از جنوب و جنوب شرقی به اقیانوس هند و خلیج فارس و از شمال به دریای خزر و دریای سیاه می‌رسد» (britannica, 2020). آسیای جنوب غربی، هر چند از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام «در مقابل طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا ... در سند چشم‌انداز بیست‌ساله، به عنوان حوزه تعامل مورد تأکید قرار گرفته» (رهبر و آخوند مهریزی، ۱۳۸۷: ۱۴۲)؛ (Rahbar and Akhund Mehrizi, 2008: 142)، اما ایراد منطقه نبودن بدان وارد است که در بخش تجزیه و تحلیل بدان اشاره می‌کنیم.

۴-۶- منطقه در برنامه ششم

قانون برنامه ششم که هم اکنون در حال اجراست و دوره زمانی آن سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ است،^۱ اسفند ۱۳۹۵ در مجلس تصویب شد. موارد مرتبط با منطقه فراملی در این برنامه به شرح زیر است: ماده ۴، بند ث: «جذب شرکت‌های معتبر جهانی و منطقه‌ای در زنجیره تولید داخلی ...»؛ ماده ۱۳: «ایجاد و انعقاد پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه و همچنین پیمان‌های پولی دوجانبه با کشورهای

۱. با پیشنهاد مجلس شورای اسلامی، تمدید یک ساله این برنامه در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ قوه مجریه از مجلس درخواست شده است.

طرف تجاری و هدف، به‌ویژه کشورهای منطقه»؛ ماده ۴۹: «تشکیل بازار منطقه‌ای و ایجاد قطب (هاب) منطقه‌ای برق»؛ ماده ۶۷، بند ۱: «حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی صدور خدمات فنی و مهندسی پهنای باند...»؛ ماده ۱۰۵، بند ب: «تنوع‌بخشی و تقویت پیوندهای همه‌جانبه با کشورهای هدف در جهان، به‌ویژه کشورهای منطقه، همسایگان و قدرت‌های نوظهور...»؛ ماده ۱۰۵، بند پ: «تقویت دیپلماسی اقتصادی... و ایجاد زمینه‌های لازم برای حضور بخش غیردولتی در دیگر کشورهای منطقه و کشورهای جنوب غربی آسیا، به‌ویژه کشورهای همسایه و اسلامی...» و ماده ۱۰۵، بند ج: «به‌کارگیری ظرفیت‌های دیپلماسی رسمی در سطوح دو و چندجانبه برای ایجاد محیط سیاسی و امنیتی باثبات و پایدار در منطقه» (مرکز پژوهش‌ها، ۱۳۹۶)؛ (IPRC, 2017).

ملاحظه می‌شود که از ۱۲۴ ماده برنامه ششم، در ۵ ماده و ۳ بند، جمعاً ۹ بار به منطقه به مفهوم فراملی اشاره شده که فراوانی کاربرد واژه منطقه ۸ بار و کاربرد مفاهیم نزدیک به آن (کشورهای جنوب غربی آسیا)، یک بار بوده است. نکته مهم درباره موضوع این پژوهش این است که با تأمل در عبارت «در دیگر کشورهای منطقه و کشورهای جنوب غربی آسیا» در بند پ ماده ۱۰۵ برنامه ششم، مشخص می‌شود که منظور از منطقه، دست کم در این برنامه، انحصاراً جنوب غرب آسیا نیست.

۴-۷- تجزیه و تحلیل آماری

نمای آماری تکرار واژه منطقه به مفهوم فراملی در مجموع ۳۵ فصل، ۷۱۹ ماده، ۱۶۴ ردیف، ۵۶۲ بند و ۵۶۳ تبصره هر ۶ برنامه پنج‌ساله توسعه در ۱۹ ماده و ۲۰ بند است که ۳۰ بار از واژه منطقه و ۷ بار از واژه‌های مصداق منطقه فراملی (اکو، حوزه فرهنگی ایران، ایران فرهنگی و کشورهای آسیای جنوب غربی) و جمعاً ۳۷ بار استفاده شده که جزییات آن در جدول زیر آورده شده است.

عنوان برنامه	ساختار برنامه فصل - ماده - بند - ردیف - تبصره - جدول	تعداد مواد و بندهای مرتبط با منطقه	فراوانی واژه	
			منطقه	مصدق منطقه فراملی
برنامه اول	0-0-51-17-52-0	3 بند	0	0
برنامه دوم	0-0-65-3-100-0	2 بند	1	1
برنامه سوم	26-199-346-74-57-0	2 ماده و 3 بند	2	1
برنامه چهارم	0-161-0-0-34-9	6 ماده و 4 بند	6	2
برنامه پنجم	9-235-0-0-192-0	6 ماده و 5 بند	13	2
برنامه ششم	0-124-0-0-128-0	5 ماده و 3 بند	8	1

جدول شماره ۱: تکرار واژه منطقه به مفهوم فراملی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه

Table No. 1: Repetition of the word of "region" in the Transnational Sense in the Five-year Development Plans (Authors, 2022)

از منظر مصداقی، یافته‌های بررسی شش برنامه توسعه نشان می‌دهد که منطقه غالب (و نه واحد و مشخص) مورد نظر در این برنامه‌ها، مستند به سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، «آسیای جنوب غربی» است که منطقه بودن آن به مثابه «جغرافیایی برای همگرایی» جای سؤال است؛ زیرا اولاً «آسیای جنوب غربی اغلب، اما نه همیشه، برابر با خاورمیانه است» (Britannica, 2020).^۱

ثانیاً درباره تعداد کشورهای این منطقه اتفاق نظر وجود ندارد و از شانزده کشور «ایران، ترکیه، عراق، عربستان، سوریه، رژیم اسرائیل [اسرائیل، اردن، لبنان، فلسطین (کرانه باختری و غزه)، قبرس، کویت، امارات، بحرین، قطر، عمان و یمن» (Vink, 2021: 5) و بعضاً از کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان نیز به عنوان کشورهای این منطقه نام برده می‌شود (Physicalmapofasia, 2021). همچنین همین کشورها به علاوه پاکستان و افغانستان را کشورهای «غرب آسیا» نیز معرفی می‌کنند (National Geographic, 2021).

بر این اساس، اگر منظور از آسیای جنوب غربی حوزه‌ای برای تعامل، همکاری و همگرایی منطقه‌ای است، می‌توان گفت که «گستره جغرافیایی وسیعی که تحت عنوان آسیای جنوب غربی تعریف می‌شود، نمی‌تواند واجد شرایط یک منطقه باشد و منطقه‌سازی [نیز] در آن دشوار خواهد بود» (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۸)؛ (Salimi, 2009: 118)؛ چرا که سابقه و وضعیت کنونی رقابت‌های منطقه‌ای و وجود کشورهای رقیب و بعضاً با دشمنی پنهان علیه ایران، آسیای جنوب غربی را از ویژگی منطقه بودن و بستری برای همکاری و همگرایی منطقه‌ای تهی می‌کند.

همچنین نگاهی به آمار رشد تولید ناخالص ملی^۲ (جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱) و صادرات^۴ و واردات^۳ (جدول شماره ۳) در کشورهای این منطقه و آسیای مرکزی نشان می‌دهد که کشورهای زیرسیستم حوزه جنوبی خلیج فارس وضعیتی متفاوت از ایران و کشورهای همسایه شرقی، غربی و شمالی ایران از نظر تهدید-فرصت و هزینه-فایده دارند.

در جدول صفحه بعد تلاش می‌شود آمار مورد با دقت بیشتری آمار مورد استناد در بالا مورد توجه قرار گیرد تا کشورهای منطقه قابل مقایسه با یکدیگر باشند. اطلاعات جدول، وضعیت کشورهای منطقه را طی برنامه‌های اول تا ششم توسعه نشان می‌دهد.

^۱. «خاورمیانه یک اصطلاح متغیرتر است و اغلب شامل بخش‌هایی از قاره آفریقا هم می‌شود؛ در حالی که اصطلاح آسیای جنوب غربی به قاره آسیا محدود است» (Britannica, 2020)

^۲. West Asia

^۳. Gross domestic product (GDP)

^۴. Exports

^۵. Imports

ششم 2018-2023	پنجم 2012-2017	چهارم 2006-2011	سوم 2001-2005	دوم 1996-2000	اول 1990-1995	برنامه کشور
2/1	2	1/5	1/4	-	-	افغانستان
5/5	4/7	4/2	3/3	2/8	2/4	پاکستان
4/5	3/7	2/7	1/4	0/8	1/7	تاجیکستان
4/9	4/1	2/8	2	1/6	1/9	قرقیزستان
7/9	6/6	5/1	3/1	2/4	2/3	ازبکستان
15/3	12/5	8/2	4/8	3/7	4/2	ترکمنستان
24/1	21/4	15/8	10/6	6/6	6/6	قزاقستان
13/8	10/8	7/9	4/3	2/4	1/9	ارمنستان
14/8	11/4	7/1	4/2	2/8	2/2	گرجستان
14/5	15	11/7	4/6	2/8	3	آذربایجان
15/7	16	17/8	13/1	10/1	8/6	ایران
10/5	12/3	12	9/2	8	3/8	عراق
27/7	24/3	16/2	10/1	10	9/3	ترکیه
29/9	39/3	46/3	41/2	35/8	28/7	عمان
42/7	46/3	44	41/5	39	32/9	بحرین
48/5	52/8	52/1	42/3	39	37/2	عربستان
59/1	68/2	91	75/1	69/1	70/6	کویت
90/7	108/6	117/7	99/2	89/1	-	قطر
68/4	68/4	78/3	99/8	103/1	-	امارات

جدول شماره ۲: میانگین تولید ناخالص ملی سالانه کشورهای منتخب منطقه در طول

برنامه‌های پنج‌ساله توسعه ایران (میلیارد دلار آمریکا)

Table No. 2: Annual average of GDP of Selected countries of the Region during Iran's five-Year Development Plans (billion US dollars)

Sources: Statistics Extraction (2022), at: data.worldbank.org

برای نمونه، آغاز تحریم‌های اعمالی بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، علیه ایران در سال ۱۹۹۵ (همزمان با پایان برنامه اول توسعه) و در استمرار آن، تشدید تحریم‌ها از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آن کشور، در سال ۲۰۱۸ (در ابتدای برنامه ششم) برای ایران محدودیت و هزینه‌زا و برای کشورهایمانند عربستان و امارات و ترکیه فرصتی برای جایگزینی ایران و کسب فایده بود. در این راستا داده‌های دو جدول زیر گویاست.

ردیف	نام کشور	صادرات	واردات	مجموع تجارت خارجی
1	تاجیکستان	4,1	1,2	5,3
2	ارمنستان	4,1	3	7
3	افغانستان	7,3	2,3	9,6
4	قرقیزستان	10,4	1,9	12,3
5	گرجستان	10,2	2,8	13
6	ترکمنستان	2,8	11,2	14
7	جمهوری آذربایجان	12,5	18,1	30,7
8	ازبکستان	20,2	12,3	32,5
9	بحرین	18,3	14,5	32,9
10	ایران	33,4	31,7	65,1
11	عمان	30,9	43,4	74,3
12	پاکستان	52,1	24,5	76,6
13	کویت	26,6	62,9	89,5
14	قزاقستان	43,2	49,5	92,7
15	قطر	36,7	74,2	110,9
16	عراق	37,09	90,8	127,9
17	عربستان	127,7	250,5	378,2
18	ترکیه	198,3	182,9	381,2
19	امارات	227,9	211	438,9

جدول شماره ۳: آمار صادرات و واردات ایران و کشورهای منتخب منطقه در سال ۲۰۱۹
(میلیارد دلار آمریکا)

Table No. 3: Export and Import Statistics of Iran and Selected Countries of the Region in 2019 (billion US dollars)

Sources: Statistics Extraction (2022), at: data.worldbank.org

اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می‌دهد ارزش تجارت خارجی ایران در بین ۱۹ کشور منطقه، نهم است و با ارزش تجارت خارجی عربستان، ترکیه و امارات قابل قیاس نیست.

ردیف	نام کشور	پنج شریک اول صادرات	پنج شریک اول واردات
1	ج. آذربایجان	ایتالیا، ترکیه، رژیم اسرائیل، هند و آلمان	روسیه، ترکیه، چین، سوئیس و آمریکا
2	ارمنستان	روسیه، سوئیس، بلغارستان، چین و عراق	روسیه، چین، ایران، ترکیه و آلمان
3	ازبکستان	روسیه، قزاقستان، ترکیه، چین و قرقیزستان	چین، روسیه، کره جنوبی، قزاقستان و ترکیه
4	افغانستان	هند، پاکستان، چین، ترکیه و امارات	ایران، چین، پاکستان، آمریکا و ترکمنستان
5	امارات	عربستان، هند، عراق، سوئیس و عمان	چین، هند، آمریکا، ژاپن و آلمان
6	ایران	چین، عراق، امارات، ترکیه و افغانستان	چین، امارات، هند، ترکیه و آلمان
7	بحرین	عربستان، امارات، آمریکا، عمان و مصر	عربستان، امارات، آمریکا، چین و استرالیا
8	پاکستان	آمریکا، چین، انگلیس، آلمان و افغانستان	چین، امارات، آمریکا، عربستان و اندونزی
9	تاجیکستان	روسیه، هلند، ازبکستان، سوئیس و ایتالیا	ازبکستان، روسیه، اوکراین، قزاقستان و ج. آذربایجان
10	ترکمنستان	روسیه، ایتالیا، ایران، ترکیه و اوکراین	روسیه، ترکیه، اوکراین، امارات و ژاپن
11	ترکیه	آلمان، انگلیس، عراق، ایتالیا و آمریکا	روسیه، آلمان، چین، آمریکا و ایتالیا
12	عراق	چین، هند، کره جنوبی، آمریکا و ایتالیا	ترکیه، چین، هند، کره جنوبی و آلمان
13	عربستان	چین، امارات، هند، سنگاپور و ترکیه	چین، آمریکا، امارات، آلمان و ژاپن
14	عمان	امارات، قطر، عربستان، هند و چین	امارات، چین، هند، قطر و عربستان
15	قرقیزستان	انگلیس، قزاقستان، روسیه، ازبکستان و ترکیه	چین، روسیه، قزاقستان، ترکیه و ازبکستان
16	قزاقستان	ایتالیا، چین، روسیه، هلند و فرانسه	روسیه، چین، کره جنوبی، ایتالیا و آلمان
17	قطر	ژاپن، کره جنوبی، چین، هند و سنگاپور	آمریکا، چین، آلمان، انگلیس و هند
18	کویت	عراق، چین، هند، عربستان و امارات	چین، آمریکا، امارات، ژاپن و عربستان
19	گرجستان	ج. آذربایجان، روسیه، ارمنستان، بلغارستان و اوکراین	ترکیه، روسیه، چین، آمریکا و ج. آذربایجان

جدول شماره ۴: شرکای تجاری کشورهای منتخب منطقه در سال ۲۰۱۹

Table No. 4: Business Partners of Selected Countries in the Region in 2019

Sources: Statistics Extraction (2022), at: data.worldbank.org

اطلاعات جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ایران به‌رغم سرمایه‌های اقتصادی و موقعیت ممتاز منطقه‌ای، صرفاً با دو کشور ارمنستان و افغانستان که نسبت به بسیاری دیگر از کشورهای منطقه از تولید ناخالص ملی و تجارت خارجی کمتری برخوردارند، به عنوان یکی از پنج صادرکننده و با ترکمنستان به عنوان یکی از پنج واردکننده عمده، روابط تجاری دارد؛ در حالی که ترکیه با ۱۰،

امارات با ۸، عربستان و عراق هر کدام با ۵ و قزاقستان با سه کشور به عنوان یکی از پنج شریک اصلی در تجارت خارجی رابطه دارند. ترکیه که نگاه ویژه‌ای به منطقه دارد و در سال ۲۰۰۹ شورای همکاری کشورهای ترک‌زبان را تأسیس کرده، یکی از پنج شریک اول تجاری ۱۰ کشور منطقه است و در این بین با ۵ کشور ایران، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان هم به عنوان یکی از پنج واردکننده اول و هم به عنوان یکی از پنج صادرکننده اول شراکت تجاری دارد که نشان‌دهنده برنامه منسجم و مستمر این کشور برای همکاری‌های منطقه‌ای است.

با این وصف، اگر منظور از آسیای جنوب غربی، نه حوزه‌ای برای تعامل، همکاری و همگرایی منطقه‌ای، بلکه صرفاً یک مجموعه کشورها برای سنجش و مقایسه وضعیت ایران است، در این صورت جای خالی یک منطقه واقعی جغرافیایی - فرهنگی، با ویژگی‌های منطقه در عصر منطقه‌گرایی نوین، برای همگرایی ایران و آن کشورها و بهره‌مندی از مزایای همکاری منطقه‌ای و منطقه‌گرایی، در سیاست خارجی ایران خالی است. این در حالی است که حوزه تمدن ایرانی «به دلیل قربات‌های جغرافیایی و ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مکمل، به طور طبیعی در جریان تاریخ به یک منطقه تبدیل شده و به معنای کامل کلمه، شاکله منطقه را به خود گرفته است» (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۶)؛ (Salimi, 2009: 116). با این که بنا بر نظریه سازه‌نگاری، کشورهای وارث فرهنگ و تمدن ایرانی در این حوزه جغرافیایی، نمونه بارز و اصیل چنین منطقه‌ای هستند؛ اما در تدوین برنامه‌ها به مثابه یک منطقه نادیده گرفته شده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی جایگاه منطقه در برنامه‌های شش‌گانه توسعه نشان می‌دهد که منطقه در این برنامه‌ها اغلب به صورت مبهم و بدون عنوان به کار گرفته شده و حتی در برنامه‌هایی که در آنها از عنوان کلی «منطقه» نام برده شده، عناوین دیگری، مانند «آسیای جنوب غربی» و «حوزه تمدن اسلامی - ایرانی» نیز به کار رفته است. همچنین میزان توجه به منطقه در برنامه‌ها به صورت پرنوسانی متغیر است. بنابراین، در تأیید فرضیه اصلی می‌توان گفت منطقه در برنامه‌های توسعه ایران یک مفهوم متغیر و بدون حد و مرز مشخص و کشورهای معین است و منظور از منطقه، از نظر مؤلفه شکل‌دهنده و قلمرو شمول (تعداد کشورهایی که به آن تعلق دارند)، مشخص نیست. این ابهام در داشتن تصویر معینی از منطقه قابل رسم بر نقشه جغرافیا، صرفاً نبود یک کلمه در یک متن نیست؛ بلکه همراستا با تأکیدات نظریه سازه‌نگاری، یک آسیب همه‌جانبه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی است که فرصت‌های منطقه‌ای ایران را به رقبایی چون ترکیه، عربستان و امارات و دشمنانی چون رژیم اسرائیل واگذار می‌کند؛ به عنوان نمونه در شاخص تولید ناخالص ملی دیدیم که چگونه در سی

¹.Cooperation Council of Turkic Speaking States.

سال گذشته کشورهایی که به لحاظ جمعیت، جغرافیا، ذخایر طبیعی، موقعیت راهبردی و تجربه تاریخی دولت - ملت بودن، با ایران قابل قیاس نیستند، وضعیت اقتصادی و رفاهی برتر و بعضاً چندبرابری نسبت به ایران داشته‌اند. این عدم توجه به منطقه و نبود راهبرد مشخص برای همگرایی منطقه‌ای صرفاً در حوزه اقتصاد نیست؛ در حوزه سیاسی به اتحادهای فرامنطقه‌ای مانند گرایش چند سال پیش تاجیکستان به عربستان مجال بروز و ظهور می‌دهد؛ در حوزه فرهنگی و هویتی با اقدامات یک‌جانبه برخی کشورها در تاراج مفاخر فرهنگی و تاریخی غرور ملی ایرانیان را جریحه‌دار می‌کند؛ و در حوزه امنیتی با واگرایی هدایت شده از سوی خارج منطقه، پای مزدوران وابسته به دشمنان ایران را در دو سوی ارس باز کرده و با تشویق فتنه تجزیه‌طلبی در «سر ایران» به دنبال پایان دادن به همجواری و همسایگی هزاران ساله ایران و ارمنستانند.

برای پرهیز از این آسیب‌ها به عنوان نتیجه کاربردی این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که «حوزه تمدن ایرانی» به عنوان منطقه جغرافیایی - فرهنگی محاط ایران، منطقه هدف جمهوری اسلامی ایران و مصداق معین منطقه در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان آینده کشور تعریف شود و با همگرایی ایران با دیگر کشورهای این حوزه، شامل پاکستان و افغانستان در شرق، کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در شمال و عراق و سوریه در غرب، کوشید که به سوی تشکیل «اتحادیه کشورهای وارث تمدن ایرانی (اکوتا)» گام برداشت.

منابع فارسی

۱. ارباب شیرانی، بهروز. خاکباز، حسن. (۱۳۸۹). بررسی جایگاه فناوری در برنامه‌های توسعه‌ای کشور. رشد فناوری، ۶(۲۳). ۳۸-۳۴.
۲. بیرانوند، احمد. ضرغام، نصرت‌الله. شامخی، تقی. نوری نائینی، سید محمدسعید. عوافی همت، محمد. (۱۳۹۹). بررسی سیاست‌های برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در زمینه جنگل و مرتع. سیاست‌گذاری عمومی، ۶(۱)، ۱۸۱-۱۵۷.
۳. پهلوان، چنگیز. (۱۳۷۲). در جست‌وجوی ساختارهای نوین منطقه‌ای (۱). گفتگو، (۳). ۴۴-۲۷.
۴. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۳). نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی. تهران: نشر مخاطب.
۵. رهبر، عباسعلی. آخوند مهریزی، مسعود. (۱۳۸۷). پتانسیل‌های فرهنگی مؤثر بر همگرایی در منطقه آسیای جنوب غربی. راهبرد یاس، ۴(۱۶). ۱۴۲-۱۴۲.
۶. سلیمی، حسین. (۱۳۸۸). آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل قابلیت اطلاق منطقه به آسیای جنوب غربی. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲(۱۵). ۱۳۷-۱۱۶.

۷. سیاپوشی، حسین. (۱۳۹۴). اصل تعامل سازنده در روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی برنامه توسعه چهارم و پنجم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی. دانشگاه علامه طباطبایی. دانشکده علوم سیاسی.
۸. صفری، فرزانه. احمدی، حمید. برزگر، کیهان. (۱۴۰۰). بررسی رویکرد چین و روسیه به نظم منطقه‌ای در اوراسیا. فصلنامه مطالعات بین‌المللی. ۱۸(۱)، ۱۰۲-۸۳.
۹. فتحی، محمد. کوهی اصفهانی، کاظم. (۱۳۹۷). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۸). قانون برنامه پنج‌ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91755>
۱۱. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۳). «قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران». در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92488>
۱۲. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۷۹). قانون برنامه پنج‌ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>
۱۳. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۳). قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>
۱۴. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۹). قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران». در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>
۱۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۹۶). قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی. در: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>
۱۶. مسعود، علیرضا. ذاکریان، مهدی. قوام، عبدالعلی، احمدی، حمید. (۱۳۹۹). بازنمود استمرار فرهنگ راهبردی ایران در ساخت و بنیان سیاست منطقه‌ای جمهوری اسلامی. فصلنامه مطالعات بین‌المللی. ۱۷(۲)، ۹۷-۱۱۴.
۱۷. میسایی، قاسم. فلاح‌پیشه، حشمت‌الله. دین‌پرست، فائز. (۱۳۹۴). جهانی شدن در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران (مطالعه برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه ج.ا.ا)، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۴(۱۵)، ۶۸-۳۷.

English References

1. Ahmadi, H. (2019). Iran and Tajikistan: How Culture and Civilization Fade in the Shadow of Politics and the Political. *Iran and the Caucasus*, 23(2), 105-119.
2. Amiri, R. (2016). Sustainable Strategic Management of Sangam Iron Ore Mines in Iran. Faculty of Georesources and Material Technology of the Rheinisch-Westfälische

- Technische Hochschule Aachen. approved dissertation to obtain A academic degree of PhD of Engineering. Aachen.
3. Britannica. (2020). Southwest Asia. *Encyclopaedia Britannica Inc.* at: www.britannica.com/place/Southwest-Asia.
 4. De Lombaerde, P. (2010). How to 'connect' micro-regions with macro-regions?. *Perspectives on Federalism*, 2(3), 29 - 37.
 5. Hettne, B., Inotai, A. Sunkel, O. (2016). Globalism and the New Regionalism. second edition. *the New Regionalism Series*. Vol: 1, Helsinki: UNU/WIDER Study.
 6. Hettne, B. (1994). The New Regionalism: Implications for Development and Peace. In: Hettne, B., Inotai, A. (1994). *The New Regionalism: Implications for Global Development and International Security*. Helsinki: UNU/ WIDER.
 7. Jackson, R., Jorge, S. (2016). *Introduction to International Relations*. Oxford: Oxford University Press.
 8. Keating, M. (2011). Regions and regionalism. *Regions & Cohesion*. 1(1), 4 – 7.
 9. Madarshahi, M. (2012). Iran's "Twenty-Year Vision Document": An Outlook on Science and Technology. *Iranian Studies*, 45(5), 619 - 643.
 10. National Geographic. (2021). west-asia. Retrieved on October 25, 2021.
 11. Palmer, D. (1991). *The New Regionalism in Asia and the Pacific*. Lexington: Lexington Books.
 12. *Physicalmapofasia*. (2021). Southwest Asia (Middle East) Countries. (Retrieved on October 25, 2021). at: www.physicalmapofasia.com/regions-of-asia/southwest-asia/
 13. Roumina, E. (2015). Geopolitical Regions of Southwest Asia based on Civilization Variable. *Geopolitics*, 10(4), 55-69.
 14. Trunkos, J. (2011). *Changing Diplomacy Demands New Type of Diplomats*, Columbia: University of South Carolina.
 15. Vink, A. (2021). *The History and Government of Southwest Asia and North Africa*, New York: Rosen Publishing Group.

Translate References to English

1. Ahmadi, H. (2019). Iran and Tajikistan: How Culture and Civilization Fade in the Shadow of Politics and the Political. *Iran and the Caucasus*, 23(2), 105-119.
2. Amiri, R. (2016). Sustainable Strategic Management of Sangan Iron Ore Mines in Iran. Faculty of Georesources and Material Technology of the Rheinisch-Westfälische

- Technische Hochschule Aachen. approved dissertation to obtain A academic degree of PhD of Engineering. Aachen.
3. ArbabShirani B.B Khakbaz, H. (2010). A Review of Tecnology Status in Iran's Development Plans. *Roshd-E-Fanavari*. Vol: 6. No: 23, 34 _ 38. **(In persian)**
 4. Biranvand, A.B Zargham, N., Shamkhi, T., Nouri Naeini, S., Awatefi Hemmat, M. (2020). Review of the Development Policies of the Islamic Republic of Iran in the field of Forest and Rangeland. *Public Policy*, No. 1, 157-181. **(In persian)**
 5. Britannica. (2020). Southwest Asia. *Encyclopaedia Britannica Inc.* at: www.britannica.com/place/Southwest-Asia.
 6. De Lombaerde, P. (2010). How to 'connect' micro-regions with macro-regions?. *Perspectives on Federalism*, 2(3), 29 - 37.
 7. Dehghani Firouzabadi, S. (2014). *Theories of Regional Integration and International Regimes*. Tehran: Mokhatab. **(In Persian)**
 8. Fathi, M., Koohi Esfahani, K. (2016). *The Constitution of the Islamic Republic of Iran (with Interpretive Comments of the Guardian Council)*. Guardian Council Research Institute Publications. at: https://www.shora-gc.ir/files/fa/news/1398/9/21/4354_236.pdf **(In Persian)**.
 9. Hettne, B. (1994). The New Regionalism: Implications for Development and Peace. In: Hettne, B., Inotai, A. (1994). *The New Regionalism: Implications for Global Development and International Security*. Helsinki: UNU/ WIDER.
 10. Hettne, B., Inotai, A. Sunkel, O. (2016). Globalism and the New Regionalism. second edition. *the New Regionalism Series*. Vol: 1, Helsinki: UNU/WIDER Study.
 11. *Islamic Parliament Research Center (IPRC)*. (1990). Law of the first five-year plan of economic, social and cultural development of the Islamic Republic of Iran. **(In Persian)**. at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/91755>
 12. *Islamic Parliament Research Center (IPRC)*. (1994). Law of the Second Five-Year Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran. **(In Persian)**. at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/92488>
 13. *Islamic Parliament Research Center (IPRC)*. (2000). Law of the Third Five-Year Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran. **(In Persian)**. at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/93301>
 14. *Islamic Parliament Research Center (IPRC)*. (2004). Law of the fourth Five-Year

- Economic, Social and Cultural Development Plan of the Islamic Republic of Iran. (**In Persian**). at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94202>
15. *Islamic Parliament Research Center (IPRC)*. (2011). Law of the Fifth Five-Year Development Plan of the Islamic Republic of Iran. (**In Persian**). at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/790196>
 16. *Islamic Parliament Research Center (IPRC)*. (2017). Law of the Sixth Plan for Economic, Social and Cultural Development of the Islamic Republic of Iran. (**In Persian**). at: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1014547>
 17. Jackson, R., Jorge, S. (2016). *Introduction to International Relations*. Oxford: Oxford University Press.
 18. Keating, M. (2011). Regions and regionalism. *Regions & Cohesion*. 1(1), 4 – 7.
 19. Madarshahi, M. (2012). Iran's "Twenty-Year Vision Document": An Outlook on Science and Technology. *Iranian Studies*, 45(5), 619 - 643.
 20. Masoud, A., Zakeiarn M., Ghavam, A., Ahmadi, H. (2020). Reflections of the continuity of Iran's Strategic Culture on Construction and Foundation of Regional Policies of the Islamic Republic of Iran. *International Studies Journal (ISJ)*, 7(2), 97-114. (**In persian**)
 21. Misai, Q., Falahatpishe, H., Dinparast, F. (2015). Globalization in Development Programs of the Islamic Republic of Iran (Study of the Third, Fourth and Fifth Development Programs in Islamic Republic of Iran). *Strategic Research of Politics*. 4(15), 37-68. (**In persian**)
 22. National Geographic. (2021). west-asia. Retrieved on October 25, 2021.
 23. Pahlawan. G. (1993). In search of New Regional Structures (1). *Goftogoo*, 1(3). 27-44. (**In Persian**)
 24. Palmer, D. (1991). *The New Regionalism in Asia and the Pacific*. Lexington: Lexington Books.
 25. *Physicalmapofasia*. (2021). Southwest Asia (Middle East) Countries. (Retrieved on October 25, 2021). at: www.physicalmapofasia.com/regions-of-asia/southwest-asia/
 26. Rahbar, A. Akhund Mehrizi, M. (2008). Cultural Potentials Affecting Convergence in Southwest Asia, *Rahbourd-E Yas*, 16, 160-142. (**In Persian**)
 27. Roumina, E. (2015). Geopolitical Regions of Southwest Asia based on Civilization Variable. *Geopolitics*, 10(4), 55-69.
 28. Safari, F. Ahmadi, H. Barzegar, K. (2021). A Study of the Sino-Russian Approach to

- Regional Order in Eurasia. *International Studies Journal (ISJ)*. 18(1), 83-102. **(In Persian)**
29. Salimi, H. (2009). Southwest Asia as a Region? Analysis of the Applicability of the Region to Southwest Asia. *Geopolitics*, 2(15), 116-137. **(In Persian)**
30. Siapushi, H. (2015). The Principle of Constructive Interaction in the Foreign Relations of the Islamic Republic of Iran: A Case Study of the Fourth and Fifth Development Plans. *Thesis for a Political Science MA*. Faculty of Political Science. Allameh Tabatabai University. **(In Persian)**
31. Trunkos, J. (2011). *Changing Diplomacy Demands New Type of Diplomats*, Columbia: University of South Carolina.
32. Vink, A. (2021). *The History and Government of Southwest Asia and North Africa*, New York: Rosen Publishing Group.

